



## منع استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از نگاه مذاهب

پدیدآورنده (ها) : رحمانی، محمد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی :: پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۳۳

صفحات : از ۳۵ تا ۶۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/692815>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه
- ممنوعیت استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- واکاوی فقهی ادله حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی
- تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- سلاح کشتار جمعی از دیدگاه اسلام
- کشتار جمعی
- سلاح های کشتار جمعی و مبانی فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها
- ضرورت فقهی طرح منطقه ای عاری از سلاح هسته ای : ممنوعیت سلاح هسته ای از منظر حقوق بین الملل و اسلام
- به کارگیری سلاح کشتار جمعی از منظر فقه و حقوق بین الملل
- تحلیل متن و فرامتن فتوای مقام معظم رهبری در تحریم سلاح کشتار جمعی
- ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی (نقد و بررسی ادله)

## عناوین مشابه

- بررسی حقوقی ساخت و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی از دیدگاه حقوق بین الملل
- تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- جستاره گویی: عنصر کلیدی در عاری سازی خلیج فارس از سلاحهای کشتار جمعی
- ممنوعیت استفاده از سلاح کشتار جمعی (نقد و بررسی ادله)
- تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- سلاح های کشتار جمعی و مبانی فقهی و حقوقی ممنوعیت استفاده از آنها
- ممنوعیت استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی
- واکاوی فقهی ادله حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی
- پژوهش: در آستانه حمله نظامی آمریکا سلاحهای کشتار جمعی عراق؛ پرسش از بود و نبود
- بررسی فقهی و اخلاقی استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته ای

# منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از نگاه مذاهب\*

محمد رحمانی\*\*

چکیده

بیشترین خشونت‌ها در جنگ زائیده سلاح‌هایی است که نه تنها با کرامت انسان و اصول عدالت ناسازگار است بلکه عرف عام حاکمیت‌ها در عرصه شعار آنرا محکوم می‌کنند. به کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف همانند، هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، از منظر آموزه‌های اسلامی از جهات گوناگون ممنوع است. این اصل قویم اسلامی را می‌توان با تقریرهای متفاوتی به اثبات رساند. این نوشتار تلاش دارد تا مبانی فقها را از منظر آیات، روایات، عقل، اجماع و نیز فتاوی‌های فقه‌های شیعه و سنی بررسی و مقایسه نماید.

واژه‌های کلیدی: سلاح‌های کشتار جمعی، مذاهب، آیات، روایات.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۸۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۴/۸۹

\*\* استادیار و عضو هیأت علمی جامعة المصطفی العالمیه و مدرس حوزه علمیه قم.

ریشه‌های رفتار خشونت‌آمیز و مخاصمات مسلحانه بین ملت‌ها و دولت‌ها را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد. در یک نگاه، جنگ ریشه همه رویدادها و زمینه ساز تحولات بزرگ تلقی می‌شود. این دیدگاه بر اصل اجتناب ناپذیری جنگ در شرایط نامتعادل و وجود نابرابریها و عدم رعایت عدالت استوار است. در نگاهی دیگر، جنگ به عنوان یک گزینه در نهاد انسان معرفی شده‌است، زیرا هر انسانی برای به دست آوردن آنچه ندارد به جنگ متوسل می‌شود و از این رو جنگ ریشه اخلاقی دارد.

برخی ریشه‌های جنگ را در تحلیلهای روان‌شناسانه جست‌جو نموده و جنگ و خشونت را به عنوان نوعی برتری‌جویی و زورآزمایی به روان‌های معیوب و آفت‌زده منسوب کرده‌اند. جمعی دیگر جنگ را عامل مولد سیاست دانسته‌اند. قدرت که محور حکومت و سیاست است در قالب جنگها بروز می‌کند تا اقتدار طلبانه به مقاصد خود برسند. همواره فقدان تعادل قوا جنگ‌آفرین است و توازن قوا مانع جنگ است.

ریشه‌های جنگ از دیدگاه اسلام را می‌توان تحت عنوانهای زیر خلاصه کرد.

الف. اختلاف و دوگانگی در دیدگاههای نظری و عملکردها.

ب. ظلم و تجاوز در بهره‌گیری از مواهب حیات.

ج. موازنه و باز شدن راه رشد و تکامل.

د. دفاع از حقوق و کرامت.

بیشترین خشونت در جنگ زاینده سلاحهایی است که نه تنها با کرامت انسان و اصول عدالت سازگار است، بلکه نشانگر روح درندگی و صفات پلید است. به کارگیری سلاحهای غیرمتعارف همانند، هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، از منظر آموزه‌های اسلامی از جهات گوناگون ممنوع است و این اصل قویم اسلامی را می‌توان با تقریرهای متفاوتی به اثبات رساند.

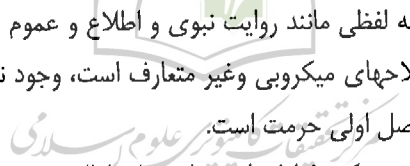
این نوشته در صدد است که مبانی فقهی این مدعا را از منظر آیات، روایات، عقل و اجماع و فتوای فقهای شیعه و سنی بررسی کند. پیش از ورود به اصل مطلب، یادآوری می‌شود مطالب مربوط به حرمت استفاده از ابزار جنگی غیر متعارف فراوان است، از جمله بحث از جواز و حرمت تولید، نگهداری و فروش که بحث تفصیلی همه آنها از حوصله این نوشته خارج است. از این رو، مباحث مقاله را به طور اختصار در عناوین ذیل درباره حرمت استفاده از سلاحهای کشتار جمعی پی می‌گیریم.

- الف. مقتضای اصل اولی.  
 ب. تبیین برخی از اصول باز دارنده در جنگ.  
 ج. حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی دشمن.  
 د. منع از بکارگیری سلاحهای آتش زا.  
 هـ. قاعده حرمت ترور.  
 و: قاعده حرمت اعتدا.

### الف) مقتضای اصل اولی

در مباحث علمی و فقهی بحثی تحت عنوان مقتضای اصل اولی مطرح است تا اگر دست فقیه از ادله‌ای که حکم مسئله را روشن کند کوتاه شد، به مقتضای آن اصل رجوع کند. در بحث ما بلاشک این مطلب بسیار کارساز خواهد بود.

بلاشک مقتضای اصل اولی عبارت است از حرمت و منع استفاده از هرگونه سلاحی که موجب اذیت و آزار و کشتار انسانها بلکه حیوانات یا موجب نابودی محیط زیست شود. از مقتضای این اصل، مواردی که دلیل بر جواز آن است خارج شده است، مثل دفاع از جان و ناموس و عزت و شرف اسلام و مسلمانان درحد ضرورت.

بنابراین، بر فرض اینکه ادله لفظی مانند روایت نبوی و اطلاع و عموم آیه اعتدا و همانند آن، که دال بر حرمت استفاده از سلاحهای میکروبی و غیر متعارف است، وجود نداشته باشد درجواز و حرمت شک کنیم، مقتضای اصل اولی حرمت است.   
 ادله‌ای که این اصل را ثابت می‌کند فراوان است، از جمله: اطلاق عموم آیات دال بر حرمت قتل، مانند «من قتل نفساً بغير نفسٍ او فسادٍ فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً» (مائده: ۳۲).  
 اطلاق و عموم: «اذا تولى سعى فى الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد» (بقره: ۲۰۵).

عموم و اطلاق روایاتی که از ائمه علیهم السلام به خصوص از رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام درمورد نهی جنگجویان مسلمان از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه‌ها، مزارع و کشتن حیوانات و... رسیده است.

عموم و اطلاق: «فان اعتزلوكم فم یقاتلوکم و القو الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سییلاً» (نساء: ۹۰).

عموم و اطلاق: «ولا تقتل النفس التي حرم الله الا بالحق» (انعام: ۱۵۱).  
 عموم و اطلاق: «فمن اعتدا علیکم اعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم واتقوا الله واعلموا ان الله

مع المتقين» (بقره: ۱۹۴).

اطلاق فرمایش امیرالمؤمنین: «واشعر قلب الرحمة للرعية... و لا تكون علیهم سبباً ضارباً تغتتم اكلهم فانهم صنفان، اما اخ لك فى الدين او نظير لك فى الخلق» (سیدرضی، ۱۴۱۵: ۵۳).  
نیز اطلاق وعموم بسیاری از آیات و روایات دیگر بر احترام جان، مال انسانها، بلکه احترام جان هر صاحب روحی حتی روح نباتی در حیوانات و گیاهان دلالت دارد.

نتیجه: بر اساس عموم و اطلاق این آیات و روایات نتیجه می‌گیریم اصل اولی حرمت تجاوز و تعدی و کشتن و اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان است. از این اطلاق وعموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است.

اگر در موردی شک داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شک کنیم استفاده از سلاحهای کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع عموم و اطلاق ادله اولیه است.

#### ب) اصول بازدانده

پیش از بحث تفصیلی درباره مبانی حرمت و ممنوعیت سلاحهای غیر متعارف، تبیین برخی از اصول اسلامی در جنگ که از آموزه‌های دینی اعم از آیات، روایات، سیره رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام راجع به روش استفاده از تسلیحات از جمله ابزار جنگی غیر متعارف برمی‌آید، سودمند است.  
هریک از اصول مورد نظر مبنای قرآنی و روایی دارد و از نظر فقها پذیرفته شده است. نویسنده این سطور مقاله‌ای با عنوان «نقش اصول و قواعد اسلامی در توسعه حقوق بشردوستانه» تدوین کرده که در مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه در تاریخ زمستان ۱۳۸۶ چاپ شده است. در آن مقاله برای هر یک از آنها آیات و روایات شیعه و سنی به تفصیل آورده شده است. به جهت پرهیز از طولانی شدن از آوردن آیات و روایات صرف نظر می‌شود. بعضی از این اصول عبارت‌اند از:

۱. منع اقدام به جنگ به قصد انتقام‌جویی و خونریزی.
۲. منع آغاز به جنگ بودن دعوت به حق و اتمام حجت.
۳. منع مثله کردن کشته‌های دشمن.
۴. منع نقض عهد و پیمانهای جنگی.
۵. منع کندن و سوزاندن درختان و مزارع.
۶. منع اسارت پیش از اتمام حجت و دعوت به حق.
۷. منع کشتن سربازان دشمن، با امکان اسیر کردن آنان.
۸. منع کشتن و یا پی کردن حیوانات.

طهری

سال نهم - شماره ۳۳ - پیاپی ۱۳۸۹

۹. منع جنگ پس از قبول اسلام.
۱۰. منع جنگ با اهل کتاب درحالتی که آمادگی انعقاد قرارداد دمه را دارند.
۱۱. منع ادله جنگ، با پیشنهاد صلح از طرف دشمن.
۱۲. منع تخریب ساختمانها و ویرانگری آبادیها.
۱۳. منع بستن آب بر روی دشمن.
۱۴. منع کشتن سربازان دشمن که درحال فرار هستند.
۱۵. منع کشتن غیر نظامیان از قبیل کودکان، زنان، پیران، رهبانان، پرستاران، مجروحان، بیماران، پیغام رسانان و همانند آنها.
۱۶. نهی از کشتن افرادی از سربازان که با اجبار در جنگ شرکت کرده‌اند.
۱۷. نهی از کشتن کسانی که درجنگ اجبر شده‌اند.
۱۸. نهی از شرکت دادن اطفال در جنگ.
۱۹. منع از جنگهای کور وبدون نشانه.
۲۰. منع از به کار گیری افراد ناتوان درجنگ.

هریک از این اصول که برگرفته از آیات و روایات و سیره عملی رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار  درمیدان جنگ است، می‌تواند در جهت تبیین مبانی فقهی حرمت به کارگیری ابزار جنگی غیر متعارف هسته‌ای و میکروبی مورد استدلال قرار گیرد.

#### ج) حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی دشمن

پرواضح است در عصر رسول خدا ﷺ و ائمه  از سلاحهای شیمیایی و میکروبی و سمی و هسته‌ای خبری نبوده است تا موضع آنان در برابر به کارگیری آنها مشخص شود، لیکن نمونه‌های کوچک‌تری در آن زمان بوده است که از جهات مختلف مشابه سلاحهای غیرمتعارف عصر حاضر است. لذا می‌توان حکم آنها را به سلاحهای غیر متعارف عصر حاضر تعمیم داد. از جمله مسموم کردن مناطق، آتش زدن درختان و مزارع و خانه‌ها، آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آنها و ...

رسول خدا ﷺ و ائمه  به نوعی درمقابل هریک از اینها موضع گرفتند و استفاده از این قبیل سلاحها را در آن عصر منع کرده‌اند. از آنجا که مسموم کردن مناطق مسکونی مشابهت بیشتری با سلاحهای غیر متعارف دارد، بیشترین بحث را به آن اختصاص می‌دهیم.

#### روایات

روایتی در متون دینی از رسول خدا ﷺ وارد شده است که بر حرمت مسموم کردن محل

سکونت دشمن دلالت دارد.

«عن سکونی، عن جعفر عن ابیه عن علیؑ، ان النبیؐ نهی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳)؛ رسول خداﷺ از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است.»

**بحث سنّی:** برخی در سند این حدیث از آن جهت که سکونی واقع شده است اشکال کرده‌اند. لکن جواب اشکال این است که اکثر قریب به اتفاق رجالیون سکونی را مقبول الروایه دانسته‌اند. شاهدش این است که شخصیت رجالی که معروف به سختگیری در توثیقات است، یعنی حضرت آیت الله خوییؒ این روایت به معتبره سکونی تعبیر کرده است و طبق آن فتوا داده است. افزون بر این، بسیاری از فقهای قدیم و معاصر طبق آن فتوا داده‌اند (نویسنده، سال: ۲/ ۳۷۱). بنابراین نیازی به بحث بیشتر درباره سند نیست.

طالع

**بحث دلّالی:** منع ونهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است، لکن ملاک نهی اختصاص به سم ندارد، بلکه شامل هر گونه سلاحهای کشتار جمعی می‌شود، زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین با استفاده از دیگر سلاحهای غیر متعارف نیست، بلکه استفاده از دیگر سلاحهای غیر متعارف به مراتب هولناک‌تر است. بنابراین، اگر در لسان مبارک رسول خداﷺ کلمه سم آمده است، قطعاً عنوان سم موضوعیت ندارد، بلکه اشاره به هرگونه سلاحی است که سبب کشتار افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی است، اعم از انسانها، حیوانات، و یا آسیب به مزارع و محیط زیست. بر این مدعا می‌توان قرائن و شواهدی نیز اقامه کرد، از جمله:

**اولاً:** اولویت قطعی، زیرا اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتم و سلاح شیمیایی به طریق اولی حرام است.

**ثانیاً:** در خود روایت نامی از آب و یا زمین و یا هوا برده نشده است، بلکه حضرت به صورت مطلق فرموده است سم پاشیدن در سرزمین مشرکان (دشمن) ممنوع است. پس شامل ابزارهای مسموم کننده زمین، هوا، آب و... می‌شود.

**ثالثاً:** این گونه احکام جنبه تبعیدی ندارد تا سم دانسته شود و الغای خصوصیت جایز نباشد، بلکه از احکام توصلی است. لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به ابزارهای کشتار جمعی که همانند سم بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود تعدی کرد.

**رابعاً:** پس از این آیات و روایاتی مورد بحث قرار می‌گیرد، از جمله آیه اعتدا، که کشاندن



جنگ را به غیر نظامیان ممنوع می‌کند. فرقی نمی‌کند این کار با مسموم کردن مناطق باشد یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای و غیر متعارف.

**نتیجه:** اطلاق این معتبره وهمانند آن بر حرمت استفاده از سم در مناطق جنگی دلالت دارد. بی‌شک سم خصوصیتی ندارد و می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و آن را به هر سلاح کشتار جمعی تعمیم داد.

## نظرات فقها

بر اساس همین روایت و مشابه آن که در کلمات ائمه<sup>ع</sup> آمده است، بسیاری از فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. شیخ طوسی در کتاب *النهایه* که با عبارات آن معامله روایات می‌شود - زیرا بنای شیخ در این کتاب بر این بوده است که بر اساس متن روایات فتوا دهد و از این رو فقهای بعد از شیخ عین عبارت شیخ را متن فتوای خود قرار داده‌اند - می‌نویسد:

فانه لا یجوز أن یلقى فی بلادهم السم (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۱).  
همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود.

۲. ابن ادریس می‌فرماید:

یجوز قتال الکفار بسائر انواع القتل واسبابه الا بتفریق الساکن ورمیهم  
بالتیران والقاء سم فی بلادهم فانه لا یجوز أن یلقى السم فی بلادهم  
(حلی، ۱۴۱۰: ۲، ۷).

۳. ابن زهره در این باره می‌نویسد:

فانه لا یجوز أن یلقى فی دیارهم القاء السم ولا یقاتل فی اشهر الحرام فی  
من یری لها حرمة من الکفار إلا أن یدأوا فیها بالقتال (: ۲۰۱).

۴. محقق ثانی (کرکی) می‌فرماید: «یحرم القاء السم إن امکن الفتح بدونه» (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۳/۳۸۵).

۵. شهید اول می‌فرماید: «ولا یجوز القاء السم علی الأصح» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲، ۳۳).

۶. شهید ثانی در *مسالك* می‌فرماید: «القاء السم لوادی الی قتل نفس محترمه حرام لذلک»  
(شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳، ۲۴).

۷. علامه حلی در *ارشاد* می‌فرماید: «وتجوز المحاربة باصنافهم الا السم ولو اضطر الیه جاز»  
(علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱، ۳۴۴).

۸. آیت الله محمد صدر، افزون بر فتوا به حرمت مسموم کردن مناطق و بلاد مشرکان، یک

قدم جلو می‌گذارد و تصریح می‌کند: هر چند در روایت سکونی عنوان سم به کار رفته است، اما بی‌شک سم موضوعیت ندارد، بلکه از نظر ملاک هرگونه سلاح غیر متعارف را شامل است (صدر، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۴).

۹. آیت الله خویی<sup>ع</sup> می‌فرماید: «لا يجوز القاء السم في بلاد المشركين لنهاي النبي ﷺ في معتبرة السكوني عن ابي عبدالله<sup>ع</sup> قال قال امير المؤمنين<sup>ع</sup> نهى رسول الله ﷺ أن يلقى السم في بلاد المشركين» (خوئی، ۱۴۱۰: ۳۷۱).

۱۰. صاحب جواهر در ذیل کلام محقق حلی که فرموده است: «یحرم القاء السم»، قول به حرمت را به بسیاری از فقها از جمله شیخ درنهایه و ابن زهره در غنیة النزوع و ابن ادریس در سرائر و علامه در مختصر النافع و تبصره و ارشاد و شهید اول در دروس و محقق ثانی در جامع المقاصد نسبت می‌دهد و آن را به این نبوی مستند می‌کند. سپس می‌گوید ابن ادریس مستند منع و حرمت مسموم کردن بلاد را اختیار و نه تنها این خبر دانسته است. بعد از آن از عده‌ای علما از جمله علامه و شهید در لعمه و شهید ثانی نام می‌برد که بر اساس این روایت فتوا به کراهت داده‌اند نه حرمت. ایشان در مقام بیان دلیل کراهت از سوی این فقها می‌فرماید آنان سند این حدیث را و جهت وجود سکونی ضعیف دانسته‌اند.

سپس در مقام اشکال بر این فقها می‌فرماید: روایت سکونی از نظر دانش رجال مورد قبول است و بر عمل طبق روایات سکونی اجماع وجود دارد. پس سند روایت تمام است. بنابراین، این فتوا به کراهت صحیح نیست، بلکه باید فتوا به حرمت داده شود.

سپس ایشان بحث دیگری را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه عده‌ای از فقها فرموده‌اند مسموم کردن بلاد حرام است، در صورتی که موجب قتل غیر نظامیان گردد، و اگر تنها موجب نابودی دشمن در صحنه جنگ شود حرام نیست، چون پیروزی بر آن متوقف است.

ایشان در مقام اشکال بر این نظریه و اثبات اینکه مسموم کردن بلاد برای کشتن دشمن جایز نیست، حتی اگر تنها راه پیروزی متوقف بر آن باشد می‌فرماید:

روایت اطلاق دارد و حتی در صورت توقف پیروزی بر مسموم کردن بلاد، دال بر حرمت است. بنابراین، کشتن دشمن حتی در صحنه جنگ، هر چند تنها راه پیروزی مسموم کردن منطقه جنگی باشد، جایز نیست. معلوم می‌شود این نظریه صاحب جواهر، فقیه شیعی، به مراتب از قوانین بین‌المللی درباره منع ابزار کشتار جمعی پیشرفته‌تر است.

۱۱. بسیاری از مراجع تقلید معاصر نیز در استفتائاتی که از آنها شده است به کار گیری

ابزارهای جنگی غیرمتعارف را در جنگ حرام دانسته‌اند.

نتیجه: بر اساس این روایات معتبره و فتوای فقهای گذشته واستفتا از مراجع معاصر، استفاده از ابزارهای جنگی غیر متعارف حرام است، چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

#### د. منع به کارگیری سلاحهای آتش‌زا

از جمله مواردی که در روایات منع و نکوهش شده، استفاده از سلاحهای آتش‌زاست. این گونه روایات نیز می‌تواند دلیل بر حرمت استفاده از ابزارهای غیر متعارف باشد، زیرا مصادیق این گونه سلاحها در عصر رسول خدا ﷺ و ائمه ؑ بسیار ابتدایی بوده است، ولی مصداق آن در عصر حاضر پیشرفته است بنابراین، روایت شامل هرگونه وسیله آتش‌زا می‌شود، هرچند توسط ابزار هسته‌ای باشد. به همان تقریبی که در مبحث پاشیدن سم گذشت.

#### روایات

راجع به منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ روایاتی رسیده است. از جمله:

۱. «عن ابی عبدالله ؑ قال أن النبی ﷺ کان اذا بعث امیراً له علی سریه امره بالتقوی الله عز وجل فی خاصه نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول اغز بسم اله وفی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله ولا تغدروا ولا تغلوا ولا تمثلوا ولا تقتلوا ولیداً ولا میتلاً فی شاهر ولا تحرقوا النخل ولا تفرقوا بالماء ولا تقطعوا شجرة مثمر ولا تحرقوا زرعاً» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶ ۴۳).
۲. «عبدالله ابن مسعود عن ابیه قال قال رسول الله ﷺ لا تعذبوا بالنار لا یعذب بالنار الا ربها» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶ ۱۴۳).

#### نظر فقها در مورد سلاحهای آتش‌زا

بسیاری از فقهای جهان اسلام بر اساس این گونه روایات تصریح کرده‌اند استفاده از سلاحهای آتش‌زا در میدان جنگ حرام است. بی‌شک بخشی از سلاحهای کشتار دسته جمعی واتمی نیز به نوعی آتش‌زا هستند و از این رو مشمول این نظریات فقهی خواهند بود.

از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محقق حلی در شرایع الاسلام که قرآن فقه نام گرفته است، استفاده از هر نوع سلاحهای آتش‌زا را حرام دانسته است.

۲. محقق ثانی نیز استفاده از سلاحهای آتشزا و سوزاندن درختان، محصولات کشاورزی، حیوانات وانسانهای بی گناه را در صحنه جنگ حرام دانسته است (محقق حلّی، ۱۴۱۵: ۲۱، ۶۶).  
 ۳. ابن ادریس از فقهای است که تصریح کرده است مقابله بادشمن با سلاحهای آتشزا جایز نیست. وی می نویسد: «يجوز قتال الكفار... الا رميهم بالنيران» (محقق کرکی، ۱۴۰۸: ۳، ۳۸۵).  
 نتیجه: بر اساس روایات و فتوای فقها می توان نتیجه گرفت استفاده از تسلیحات غیر متعارف در جنگ حرام است، چون مصداق سلاحهای آتشزاست.

### ه. قاعده حرمت ترور

از جمله ادله ای که ممکن است بر حرمت استفاده از ابزار کشتار جمعی دلالت کند، روایاتی است که دلالت دارد ترور و کشتن افراد در غیر میدان جنگ حرام است. پرواضح است استفاده از ابزار کشتار دسته جمعی نوعی ترور پیشرفته است و به تعداد افراد کشته شده ترور صادق خواهد بود. بنابراین، همان ادله ای که بر حرمت ترور یک فرد دلالت دارد، بر حرمت استفاده از ابزارهای غیر متعارف نیز دلالت می کند.

روایات دال بر حرمت ترور متعدد است. از جمله نبوی معروف:  
 الايمان قيد التفك المؤمن لا يفتك.

ایمان ترور را به زنجیر کشیده. مؤمن ترور نمی کند.

این روایت در منابع شیعه و سنی زیادی، از جمله *مقتل ابی محتف، تاریخ طبری، تنزیه الأنبياء* آمده است.

روش وسیره عملی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین و شاگردان مکتب آنان نیز این گونه بوده است. از آن جمله حضرت مسلم در شهر کوفه است عبیدالله ابن زیاد قصد عیادت شریک بن ابی اعور از شیعیان و دوستان سید الشهداء را که در خانه هانی بن عروه بستری بود می کند. شریک با مسلم قرار می گذارند مسلم پشت پرده مخفی شود و به هنگام آمدن عبیدالله بن زیاد شریک بن اعور جمله «اسقنی بشرية من الماء» را بگوید و او بر عبدالله حمله و کار آن جرثومه فساد را یکسره کند. به هنگام آمدن عبیدالله، شریک بن اعور این کلمه رمز را بر زبان جاری می کند، اما از مسلم خبری نمی شود. بار دوم تکرار می کند، خبری نمی شود. سپس شعری می خواند که صید از قفس فرار می کند، ولی مسلم دست به ترور نمی زند. عبیدالله می فهمد و فرار می کند. شریک از مسلم می پرسد، چرا حمله نکردی؟ مسلم می گوید: به خاطر حدیث رسول خدا ﷺ: «الایمان قید التفک والمومن لا یفتک» (ابی محتف، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

طبرستان

سال نهم - شماره ۳۳ - پاییز ۱۳۸۹

در تاریخ موارد دیگری وجود دارد که سیره عملی ائمه علیهم السلام اجتناب از هر گونه ترور و عمل غافلگیرانه بوده است. از جمله علی علیه السلام پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با پیشنهاد به قتل رساندن دشمنان آن حضرت مخالفت کرد. (همان).

نتیجه: از حرمت ترور در اسلام نتیجه می‌گیریم استفاده از سلاحهایی که همانند سلاحهای کشتار جمعی انسانها جانشان را با قتل کور از دست دهند حرام است.

## ز) قاعده حرمت اعتدا

اعتدا عنوانی در فقه اسلامی و مشتمل بر احکام زیاد تکلیفی و وضعی است. از جمله این احکام، حرمت تکلیف تجاوز از حد در استفاده از ابزارهای غیر متعارف در جنگ است. از این رو، یکی از مصادیق بارز اعتدا قطعاً استفاده از ابزارهای کشتار جمعی است. بنابراین، براساس آیات و روایاتی که بر حرمت اعتدا در میدان جنگ با دشمن دلالت می‌کند، می‌توان به طور قطع و جزم فتوا به حرمت استفاده از ابزار کشتار جمعی داد. کما اینکه بسیاری از مفسران شیعه و سنی این استفاده را کرده‌اند.

## آیات

آیاتی که بر حرمت و منع اعتدا و تجاوز در استفاده از ابزارهای جنگی دلالت می‌کند فراوان است. در اینجا به یکی از آیات بسنده می‌شود.

وَقَاتِلُوهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا أِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
 الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰).

در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید.  
 خداوند تعدی کنندگان را دوست ندارد.

این آیه را می‌توان از کلیدی ترین آیات راجع به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به حساب آورد، زیرا می‌توان چندین اصل و قاعده را درباره جنگ با دشمنان از آن استفاده کرد. از جمله:

الف. اصل تناسب در تسلیحات جنگی.

ب. اصل تفکیک میان دشمن جنگجو و غیر جنگجو، همانند کودکان، زنان، پیران، بیماران، مجروحان، نیروهای خدماتی، و همانند آنها و نیز حیوانات و اشجار و مزارع و به طور کلی محیط زیست. بر اساس این آیه، استفاده از هرگونه سلاح جنگی که مصداق تعدی و تجاوز از حد باشد

حرام است. نیز کشاندن جنگ از منطقه جنگی به غیر آن که سبب آزار و اذیت شود، هر چند آزار حیوانات و گیاهان و محیط زیست باشد، حرام است. زیرا نهی در «لا تعتدوا» مطلق است و شامل هرگونه اعتدا حتی به محیط زیست می‌شود.

## نظرات مفسران قرآن

خوشبختانه بسیاری از مفسران جهان اسلام شیعه و سنی، افزون بر آنچه اشاره شده، مطلب دیگری نیز استفاده کرده‌اند که چون تتبع کامل از حوصله نوشته خارج است، فقط به مواردی اشاره می‌شود.

علامه طباطبایی\* براین باور است که حرمت گسترش جنگ و کشتار غیر جنگجویان دشمن از باب تخصیص نیست، بلکه زنان و کودکان و پیران و همانند آنها تخصصاً خارج‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۸۷).

ایشان در مقام بیان مصادیق «لا تعتدوا» می‌فرماید: اگر پیش از پیشنهاد مصالحه بر سر حق و دعوت به آن جنگ شروع شود، این گونه جنگ حرام است یا چون مصداق اعتداست.

آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: از این آیه برمی‌آید، افزون بر حرمت کشاندن جنگ به غیر نظامیان، تعدی به باغستانها، گیاهان و زراعتها و نیز استفاده از مواد سمی برای زهر آلود کردن آبهای آشامیدنی دشمن یعنی جنگ شیمیایی و میکروبی جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۲، ۱۹).

مقدس اردبیلی در ذیل آیه می‌فرماید:

از جمله مصادیق اعتدا که حرام است، آغاز کردن جنگ پیش از آغاز دشمن و نیز کشتن کافر معاهد و دعوت دشمن به حق و کشتن به شکل ناروا (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۳۰۶).

## نظر مفسران اهل تسنن

مفسران اهل تسنن، همانند مفسران شیعی، از عنوان اعتدا در آیه ۱۹۰ بقره حرمت استفاده از ابزار کشتار دسته جمعی را استفاد کرده‌اند. از باب نمونه، وهبه زحیلی، از متفکران

۱. برای آگاهی از نظرات دیگر مفسران شیعی مراجعه کنید به: حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۲، ۶ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱، ۲۲۸؛ شریف لاهیجی، ۱۳۶۲: ۱، ۱۷۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱، ۳۲۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۱۰: ۳، ۶۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۱، ۳۱۵؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱، ۳۳۱ و فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۱، ۳۴۴.

اهل تسنن، در تفسیر المنیر در مقام بیان مصادیق اعتدای حرام می‌نویسد آغاز به جنگ، کشتن افراد مسلم، جنگ با غیر نظامیان، مانند کودکان، زنان، پیران، تخریب خانه‌ها، قطع درختان، به آتش کشیدن زراعتها همانند تعدی به این موارد مورد کراهت و غضب خداوند است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲، ۱۷۹).

## روایات

بسیاری از روایات فریقین نیز همانند آیه اعتدا، بر حرمت کشتادن جنگ از صحنه جنگ به منطقه غیر نظامی و تعدی کردن به غیر نظامیان و محیط زیست دلالت می‌کند. حال فرقی نمی‌کند این کار با تسلیحات متعارف باشد یا غیر متعارف.

## روایات از طریق اهل بیت

روایات منقول از طریق اهل بیت در این باره فراوان و چند دسته است. ما به گزارش یک دسته که جامع است بسنده می‌کنیم.

- «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن معاوية بن عمار قال اظنه عن ابي حمزة الثمالي عن ابي عبدالله قال: كان رسول الله ﷺ اذا اراد ان يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثم يقول سيروا بسم الله و بالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله ﷺ لا تغلوا ولا تملثوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شيخاً فاتياً ولا صبياً ولا امرأة ولا تقطعوا شجراً إلا ان تضطروا إليها...»<sup>۱</sup> (شيخ طوسي، ۱۴۰۷: ۶، ۱۳۸-۱۳۹)<sup>۲</sup>
- «روينا عن جعفر بن محمد عن ابيه عن ابيه عن ابي عبد الله عن ابي عبد الله ﷺ اذا بعث جيشاً أو سرية أوصى صاحبها بتقوى الله في خاصة نفسه و بمن معه من المسلمين خيراً وقال اغزوا بسم

۱. برای آگاهی بیشتر نظرات مفسران اهل سنت مراجعه شود به: طنکاوی، بی تا: ۱، ۶۰۴ ابن عربی، بی تا: ۱، ۱۰۴؛ طبری، ۱۴۰۵: ۱، ۸۲ و ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲، ۸۷.  
 ۲. استثنا در عبارت «إلا أن تضطروا إليها» تنها ناظر به عدم قطع درختان است. بنابراین، دلالت این گروه از روایات در ممنوع بودن قتل زنان و کودکان دارای اطلاق است.  
 ۳. رک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹، ۱۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۵، ۹۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵، ۵۸ این روایت از طریق دیگری (عنه عن الوشاء عن محمد بن حمران و جمیل بن دراج کلاهما عن ابي عبدالله ع)) نیز نقل شده است. رک: البرقی، ۱۳۷۱: ۲، ۳۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۳۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۶، ۱۳۹ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۷، ۲۵.

الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله تقاتلوا القوم حتى تحتجوا عليهم.... ولا تقتلوا وليداً ولا شيخاً كبيراً ولا امرأة يعني إذا لم يقاتلوكم ولا تمثلوا ولا تغلوا ولا تغدروا» (التميمي المغربي، بي تا: ١، ٣٦٩؛ ر.ك: محدث نوري، ١٤٠٧: ١١، ٣٩).

٣. «عن علي بن إبراهيم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا أراد أن يبعث أميراً على سرية أمره بتقوى الله عز وجل في خاصة نفسه ثم في أصحابه عامة ثم يقول اغزوا بسم الله وفي سبيل الله قاتلوا من كفر بالله ولا تغدروا ولا تغلوا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليداً» (ر.ك: كليني، ١٤٠٧: ٥، ٢٩-٣٠؛ حر عاملي، ١٤٠٩: ١٥، ٥٨ و مجلسي، ١٤٠٤: ١٩، ١٧٩).

## روايات اهل سنت

طريق

روايات از طريق اهل سنت در اين باره زياد است. از باب نمونه:

١. «عن خالد بن الفزر حدثني أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: انطلقوا باسم الله وعلى ملة رسول الله لا تقتلوا شيخاً فانياً ولا طفلاً ولا صغيراً ولا امرأة ولا تغلوا وضموا غنائمكم وأصلوا وأحسنوا إن الله يحب المحسنين انتهى» (بيهقي، بي تا: ٩، ٩٠؛ ر.ك: ابن أبي شيبة، ١٤٠٩: ٧، ٦٥٤؛ ابن عبد البر، ٢٠٠٠: ٥، ٣٢-٣٣؛ ابن عبد البر التمهيد، ١٣٨٧: ٢٤، ٢٣٢).

٢. «وأخرج ابن جرير وابن المنذر و ابن أبي حاتم عن ابن عباس في قوله «ولا تعتدوا» يقول لا تقتلوا النساء والصبيان ولا الشيخ الكبير ولا من القى السلم وكف يده فإن فعلتم فقد اعتديتم» (سيوطي، بي تا: ١، ٢٠٥).

٣. «عن سليمان بن بريدة عن أبيه قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أمر أميراً على جيش أو سرية أوصاه في خاصته بتقوى الله ومن معه من المسلمين خيراً ثم قال اغزوا باسم الله في سبيل الله قاتلوا من كفر الله اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليداً. وإذا لقيت عدوك من المشركين فادعهم إلى إحدى ثلاث خصال» (احمد بن حنبل، بي تا: ٥، ٥٨ و ر.ك: القزويني، بي تا: ٢، ٩٣٥؛ الترمذي، ١٤٠٣: ٣، ٨٦؛ البيهقي، بي تا: ٩، ٤٩؛ الهيثمي، ١٤٠٨: ٥، ٢٥٦؛ ابن أبي شيبة، ١٤٠٩: ٧، ٦٤٤؛ النسائي، ١٤١١: ٥، ١٧٢ و ٢٤١؛ نيشابوري، ١٩٨٠: ٢٤٠؛ البيهقي، بي تا: ٦، ٥٢٠).

٤. «عن سليمان بن بريدة عن أبيه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا بعث أميراً على جيش أوصاه في خاصة نفسه بتقوى الله ومن معه من المسلمين خيراً فقال: اغزوا باسم الله و



فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله، اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا ولیداً» (ترمذی، ۱۴۰۳: ۲/۴۳۱)

## نظرات فقهای شیعه

فقهای شیعه بر اساس آیه اعتدا و روایات فروان تصریح کرده‌اند استفاده از ابزارهای جنگی موجب کشتار جمعی حرام است. تتبع کامل در این موضوع از حوصله این نوشتار خارج است. از این رو، به مواردی اشاره می‌شود.

۱. «ولا یجوز قتال النساء. فإن قاتلن المسلمین وعاون أزواجهن ورجالهن، أمسک عنهن. فإن اضطروا الی قتلهن، جاز حينئذ قتلهن، ولم یکن به بأس» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۱، ۲۹۲).
۲. «ولا یجوز قتل النساء وإن قتلن مع أهلهن، إلا أن یدعو الی قتلهن ضرورة، وإن دعت ذلک ضرورة لم یکن به بأس» (ابن البراج، ۱۴۰۶: ۱، ۳۰۳).

۳. «مسألة: لا یجوز قتل صبیان المشرکین إجماعاً ولا نساءهم والمجانین منهم روی الجمهور عن یونس بن مالک أن النبی قال: انطلقوا باسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله ﷺ لا تقتلوا شیخاً کبیراً فانیاً ولا صغیراً ولا امرأةً ومن طریق الخاصة مارواه الشیخ فی الحسن عن أبی حمزة الثمالی عن أبی عبدالله ع قال: کان رسول الله ﷺ إذا أراد أن یبعث سریة رعاهم فأجلسهم بین یدیه ثم یقول لهم سیروا باسم الله وبالله وفي سبیل الله وعلى ملة رسول الله ﷺ الا تعلقوا ولا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شیخاً فانیاً ولا صبیاً ولا امرأةً وایما رجل من أدنی المسلمین وأفضلهم نظر الی أحد من المشرکین فهو جار حتی أن یسمع کلام الله فإن تبعکم فأخوکم فی دینکم وإن بغت

۱. همچنین ر. ک: احمد بن حنبل، بی تا: ۲۴۰، ۴؛ دارمی، بی تا: ۲، ۲۱۵؛ نیشابوری، بی تا: ۵، ۱۴۰؛ قزوینی، بی تا: ۲، ۹۳۵؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ۱، ۵۸۸؛ الترمذی، ۱۴۰۳: ۲، ۴۳۱؛ البیهقی، بی تا: ۹، ۶۹؛ النووی، ۱۴۱۴: ۱۲، ۳۷۰ (مبارکفوری، ۱۴۱۰: ۵۵۲/۴).

۲. ضرورت نظامی در اصطلاح فقه الجهاد و حقوق بشردوستانه بین المللی عبارت است از اقدامی که تنها و آخرین راهکار لازم برای شکست دشمن و یا جلوگیری از ادامه تجاوز دشمن باشد. این اصل که هر متخصصم تنها آن میزان و آن نوع نیرویی را که برای شکست دشمن لازم است باید به کار گیرد، مانع استفاده غیرضروری و بی جهت از زور می‌شود و یکی از اصول دیرینه و ثابت حقوق بشردوستانه به شمار می‌آید. در اسناد بین المللی نیز اصل ضرورت مورد توجه قرار گرفته به طوری که «استفاده از تسلیحات و ابزارهای جنگی که ممکن است باعث رنج غیر ضروری شوند، ممنوع می‌باشد. همچنان که تخریب غیر ضروری اموال نیز ممنوع گردیده است» (کنوانسیون لاهه - ماده ۲۳).

فاستعینوا بالله علیه و ابلغوا به مأمنه. ولأنهم ليسوا من أهل المحاربة فلا ينبغي قتلهم» (علامه حلی، ۱۳۳۳: ۹۱۱).

۴. «لا يجوز قتل المجانين، ولا الصبيان، ولا النساء منهم و ان أعن إلا مع الحاجة» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱، ۴۸۶).

۵. «ولا يجوز قتل المجانين و الصبيان و النساء و إن أعنّ، ولو تترسوا كفّ عنهم إلا مع الضروره» (علامه حلی، ۱۴۲۱: ۸۰).

۶. «ولا يجوز قتل المجانين ولا الصبيان ولا النساء منهم ولو عاونهم بتشديد النون إلا مع الاضرار بلا خلاف اجده في شيء من ذلك، بل في المنتهى الإجماع عليه في النساء و لاصبيان، بل وعلى قتل النساء مع الضرورة، مضافاً إلى ماسمعته من خبری جميل و الثمالي و غیر هما، بل في رواية الجمهور عن أنس بن مالك أن النبي ﷺ قال: «انطلقوا بسم الله و بالله و على ملة رسول الله ﷺ، ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صغيراً ولا امرأة» (نجفی، بی تا: ۲۱، ۷۳).

۷. «خامساً: النهی عن قتل من لا یقاتل ولا یعین فی الحرب علی المسلمین: نهی رسول الله ﷺ عن قتل من لا یقاتل فی مکه، ونهی ﷺ عن قتل النساء و الصبيان و الشيوخ الذين لا یقاتلون ولا یعینون المقاتلين ولو بالتدبير و الفکر. كما نهی عن قتل العصفاء و الوصفاء و الرهبان و المقعد و أصحاب الصوامع الذين لا تدخل لهم فی حزب المسلمین بأی نحو و إلیک النصوص» (احمدی میانجی، ۱۴۱۱: ۹۱).

### نظرات فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت، همانند صاحب نظران شیعه، براساس آیات و روایات فتوا داده‌اند استفاده از ابزارهای کشتار جمعی و هرگونه عملی که موجب کشاندن جنگ به منطقه غیر نظامی باشد و موجب تعدی و تجاوز به غیر نظامیان و محیط زیست از فسیل حیوانات، مزارع و درختان و تخریب خانه‌ها گردد، حرام است. در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می‌شود.

### فقهای حنفی

۱. «ولا یقتلوا مجنوناً، ولا امرأةً ولا صبياً، ولا أعمى، ولا مقعداً، ولا مقطوع الیمین، و لا شیخاً فانياً» (موصلی الحنفی، ۱۴۱۹: ۴، ۱۲۸).

طریق

۲. «ولا يقتلوا امرأة ولا صبياً ولا شيخاً فانياً ولا مقعداً ولا أعمى لأن المبيع للقتل عندنا هو الحراب ولا يتحقق منهم، ولهذا لا يقتل يابس الشق والمقطوع اليمنى والمقطوع يده ورجله من خلاف» (شوكانى، ۱۴۲۱: ۱۲، ۴۱۱).

۳. «ولا يقتلوا امرأة ولا صبياً ولا شيخاً فانياً ولا مقعداً ولا أعمى لأن المبيع للقتل عندنا هو الحراب ولا يتحقق منهم. ولهذا لا يقتل يابس الشق والمقطوع اليمنى والمقطوع يده ورجله من خلاف» (العناية شرع الهدايه، ج ۷، ص ۴۲۵).

۴. «لا ينبغي أن يقتل النساء من أهل الحرب ولا الصبيان ولا المجانين ولا الشيخ الفانى، لقوله تعالى «وقاتلوا فى سبيل الله الذين يقاتلوكم» وهؤلاء لا يقاتلون وحين استعظم رسول الله ﷺ وقتل النساء أشار إلى هذه بقوله: هاه، ما كانت هذه تقاتل أدرك خالداً وقل له: لا تقتلن ذرية ولا عسيفاً» (سرخسى، ۱۹۷۱: ۱، ۴۴۹ - ۴۵۰).

### فقهائى شافعى

۱. «(فصل) ولا يجوز قتل نساءهم ولا صبيانهم إذا لم يقاتلوا لما روى ابن عمر رضى الله عنه أن رسول الله ﷺ نهى عن قتل النساء والصبيان ولا يجوز قتل الخنثى المشكل، لانه يجوز أن يكون رجلاً ويجوز أن يكون امرأة فلم يقتل مع الشك» (نووى، بى تا: ۱۹، ۲۹۵).

۲. «(قال الشافعى) رحمه الله تعالى ولا يجوز لاحد من المسلمين أن يعمد قتل النساء والوالدان لان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن قتلهم أخبرنا سفيان عن الزهرى عن ابن كعب ابن مالك عن عمه أن رسول الله ﷺ نهى الذين بعث إلى ابن أبى الحقيق عن قتل النساء والوالدان» (ابن ادريس، ۱۴۰۳: ۴، ۲۵۲ - ۲۵۳).

۳. «ويحرم عليه قتل صبى ومجنون وامره وخنثى مشكل. الشرح: (ويحرم عليه قتل صبى و مجنون) ومن به رق (وامرأة وخنثى مشكل) للنهى عن قتل الصبيان والنساء فى الصحيحين، والحق المجنون بالصبى، والخنثى بالمرأة لاحتمال أنوثته» (شربيني، ۱۹۵۸: ۴، ۲۲۲ - ۲۲۳).

۴. «قوله (نهى رسول الله ﷺ عن قتل النساء والصبيان) أجمع العلماء على العمل بهذا الحديث وتحريم قتل النساء والصبيان إذا لم يقاتلوا فإن قاتلوا قال جماهير العلماء يقتلون» (نووى، ۱۴۲۰: ۱۲، ۴۸).

۱. شيرازى، ۲۰۰۳: ۳، ۴۳۹.

فصل: و لا يجوز قتل نساءهم ولا صبيانهم إذا لم يقاتلوا لما روى ابن عمر رضى الله عنه أن رسول الله (ص) نهى

## فقهای حنبلی

۱. «(فصل) ولا تقتل امرأة ولا شيخ فإن وبذلك قال مالك و أصحاب الرأي، وروى ذلك عن أبى بكر الصديق ومجاهد. وروى عن ابن عباس فى قوله تعالى (ولا تعتدوا) يقول لا تقتلوا النساء الصبيان والشيوخ الكبير» (قدمه، (الف)، بی تا: ۱۰، ۵۴۱ - ۵۴۴).

۲. «(مسألة) (وإذا ظفر بهم لم يقتل صبي ولا امرأة ولا راهب ولا شيخ فإن ولا أعمى، لا رأى لهم الا ان يقاتلوا) إذا ظفر بالكفار لم يجوز قتل صبي لم يبلغ بغير خلاف لما روى ابن

عن قتل النساء والصبيان ولا يجوز قتل الخنثى المشكل لأنها أن يكون رجلاً ويجوز أن يكون امرأة فلم يقتل مع الشك و ان قاتلوا جاز قتلهم لما روى ابن عباس رضى الله عنه ان النبى ﷺ مر بامرأة مقتولة يوم حنين فقال: [من قتل هذه؟ فقال رجل: أنا يا رسول الله غنمتها فأردفتها خلفى فلما رأت الهزيمة فينا أهوت الى سيفى أو الى قائم سيفى لتقتلنى فقتلتها فقال النبى (ص): ما بال النساء ما شأن قتل النساء و لو حرم ذلك لأنكره النبى ﷺ و لأنه إذا جاز قتلهن إذا قصدن القتل وهن مسلمات فلأن يجوز قتلهن وهن كافرات أولى - (زرکش، ۱۴۲۷: ۲، ۱۰۶۱).

الثانى: فيمن يحرم قتله: و هو الصبي و المجنون و المرأة و الخنثى المشكل، فقى الصحيح نهى عن قتل النساء و الصبيان، فإن قاتلوا قتلوا قطعاً - (الموردى، بی تا: ۱، ۷۰)

جاز قتل صبي و مجنون و من به رق و أنثى و خنثى قاتلوا و غير هم لا لارسل (نووى، ۱۴۲۰: ۷، ۴۴۴)

- جاز قتال صبي و مجنون و من رق و أنثى و خنثى قاتلوا فإن لم يقاتلوا حرم قتلهم للنهى فى خير الصحيحين عن قتل النساء و الصبيان و الحاق المجنون و من به رق و الخنثى بهما، على هذا يحمل إطلاق الأصل حرمة قتلهم. (غمرأوى، بی تا: ۴۳۵)

(و يحرم قتل صبي و مجنون و امرأة و خنثى مشكل) إلا إذا قاتلوا فيجوز قتلهم (و يحل قتل راهب و أجير و شيخ و أعمى و زمن لا قتال فيهم و لا رأى فى الاظهر) و مقابلة المنع كالنساء فان كان فيهم رأى أو قتال قتلوا بلا خلاف، (شروانى و العبادى، بی تا: ۹، ۲۴۱)

(قوله إلا ان قاتلوا) قال فى العباد فيقتلون مقبلين وإن تدفعوا بغيره لا مدبرين اهـ سم و يأتى مثله فى الشارح و عبارة الروض مع شرحه إلا ان قاتلوا فيجوز قتلهم وإن أمكن دفعهم بغيره اهـ (حسينى الحصينى الدمشقى، بی تا: ۱، ۵۰۰)

يحرم قتل نساء الكفار و صبيانهم، وكذا المجانين إلا أن يقاتلوا لأنه عليه الصلاة والسلام نهى عن قتلهم و عن ابى عمر رضى الله عنهما أنه عليه الصلاة والسلام {مر فى بعض عزواته فوجد امرأة مقتولة فأنكر النبى ﷺ قتل النساء والصبيان} رواه الشيخان. (الموردى، بی تا: ۱۴، ۴۲۴-۴۲۵).

وَالْفِسْمُ الثَّلَاثُ: مِنَ الدَّرَارِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْأَطْفَالِ، فَلَا يَجُوزُ أَنْ يُقْتَلُوا فِي الْمَعْرَكَةِ إِلَّا أَنْ يُقَاتِلُوا فَيُقْتَلُوا دَفْعًا لِأَدَاهُمْ، فَأَمَّا بَعْدَ الْأَسْرِ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يُقْتَلُوا، سِوَا مَا قَاتَلُوا أَوْ لَمْ يُقَاتِلُوا لِنَهْيِ النَّبِيِّ ﷺ عَنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَ الدَّرَارِيِّ وَ الْوَلَدَانِ، وَلَا نَهْيِهِمْ سَبَايَا مُسْتَرْفُونَ قَدْ مَلَكَتْهُمُ الْغَائِمُ كَالْأَمْوَالِ.

طالع

سال نهم - شماره ۳۳ - پاییز ۱۳۸۹

۵۲

عمر رضى الله عنهما ان النبي ﷺ نهى عن قتل النساء و الصبيان، متفق عليه ولان الصبي يصير رقيقاً بنفس السبى ففى قتله إتلاف المال و إذا سبى منفرداً صار مسلماً فاتلافه إتلاف من يمكن جعله مسلماً» (عبدالرحمن بن قدامه، بى تا: ١٠، ٤٠٠).

٣. «ولا يجوز قتل نسائهم و صبيانهم لما روى ابن عمر عن النبي ﷺ أنه نهى عن قتل النساء و الصبيان متفق عليه ولأنهما يصيران رقيقاً و مالا للمسلمين فقتلهما إتلاف لمال المسلمين و لا قتل شيخ فان لما روى عن النبي ﷺ أنه قال: «لا تقتلوا شيخاً فانياً و لا طفلاً و لا امرأة» رواه أبو داود ولأنه لا نكايه له فى الحرب أشبه المرأة و لا قتل زمن و لا أعمى لأنهما فى معنى الشيخ الفانى و لاراهب لما روى عن أبى بكر الصديق رضى الله عنه: أنه أوصى يزيد بن أبى سفيان حين بعثه إلى الشام فقال: لا تقتلوا الوالدان و لا النساء و لا الشيوخ و ستجدون قوما حسبوا أنفسهم فى الصوامع فدعوه و حسبوا له أنفسهم و لا قتل خنى مشكل أنه يحتمل أنه امرأة فلا يجوز قتله مع الشك و من قاتل من هؤلاء كلهم قتل» (عبدالله بن قدامه، (ب)، بى تا: ٤، ١٢٢).

### فقهای مالکی

١. «ولا يقتل النساء و لا الصبيان لما صح من نهيه عليه الصلاة و السلام عن قتلهم» (أبى الأزهرى، بى تا: ٤١٤).

٢. «وها هنا تفريعان الأول فى الكتاب لا يقتل النساء و لا الصبيان و لا المشايخ الكبار و لا الرهبان فى الصوامع و الديار و يترك لهم من أموالهم ما يعيشون به و نهى ﷺ عن قتل العسيف و هو الأجير و فى مسلم نهى عن قتال النساء و الصبيان و فى النسائى لا تقتلوا ذرية و لا عسيفاً» (القرافى، ١٩٩٤: ٣، ٣٩٧ - ٣٩٨).

### فقهای ظاهري

١. «مسألة - ولا يحل قتل نسائهم و لا قتل من لم يبلغ منهم الا أن يقاتل أحد ممن ذكرنا فلا يكون للمسلم منجا منه الا بقتله فله قتله حينئذ \* رويانا من طريق البخارى نا أحمد بن يونس الليث - هو ابن سعيد - عن نافع ان ابن عمر أخبره (ان امرأة وجدت فى بعض مغازى النبي ﷺ مقتولة فأنكر) رسول الله ﷺ قتل النساء و الصبيان» (ابن حزم، بى تا: ٧، ٢٩٦).

## جمع بندی

از مجموع مباحثی که تحت عنوان مقتضای اصل اولی و حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به کار گیری ابزارهای آتش‌زا و حرمت ترور و حرمت تجاوز از سلاحهای متعارف در جنگ صورت گرفت به این نتیجه قطعی و مسلم می‌رسیم استفاده از سلاحهای غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر تمام مذاهب فقهی اسلام، مذهب جعفری اثنا عشری، مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی، و ظاهری حرام است.

طالع



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## منابع

۱. ابن ادريس الشافعي، ابو عبدالله محمد، ۱۴۰۳ق، *كتاب الأم*، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
۲. ابن البراج القاضي، ۱۴۰۶ق، *المهذب*، اشراف: جعفر السبحاني، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۳. ابن خرم الاندلس، علي بن أحمد بن سعيد، بي تا، *المحلى*، دارالفكر.
۴. ابن عبدالبر القرطبي ابوعمريوسف بن عبدالله، ۱۳۸۷ق، *التمهيد*، تحقيق: مصطفى بن احمد العلوي، محمدعبدالكبير البكري، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الاسلامية، المغرب.
۵. ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، *الاستذكار*، سالم محمدعطا - محمدعلي معرض، دارالكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.
۶. ابن قدامة المقدسي، عبدالرحمن، بي تا، *الشرح الكبير*، دارالكتاب العربي للنشر و التوزيع، بيروت.
۷. ابن قدامة الجماعيلي المقدسي، عبدالله بن أحمد بن محمد، بي تا، *الكافي في فقه ابن حنبل*، از سلسلة المصادر الفقهية، على اصغر مرواريد، دارالتراب.
۸. ابن قدامة الجماعيلي المقدسي، عبدالله بن أحمد بن محمد (الف)، بي تا، *المغني*، دارالكتاب العربي للنشر و التوزيع، بيروت.
۹. ابن العربي، محمد بن عبدالله بن ابوبكر، بي تا، *احكام القرآن*، بي تا، بي جا.
۱۰. ابوالفتوح رازي، حسين بن علي، ۱۴۱۰ق، *روح الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، بنياد شهرستانی، انتشارات بيدار، قم، چاپ اول.
۱۱. ابومخنف، ۱۳۷۸، *مقتل الحسين*، تحقيق شيخ محمدهادي يوسف غروي، ترجمه على كرمي، موسسه مطبوعاتي دارالكتب، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ش چاپخانه اش.
۱۲. أبي الأزهری، بي تا، *الثمر الداني*، بيروت، المكتبة الثقافية.
۱۳. احمد بن حنبل، بي تا، *مسند احمد*، بيروت، دارصادر.

١٤. أحمدى ميانجى، على، ١٤١١ق، *الاسير في الاسلام*، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين، قم المقدسة، الطبعة الأولى.
١٥. أصبهانى، ابونعيم، ١٤١٥ق، *مسند ابى حنيفة*، تحقيق: نظر محمد الفاريابى، الرياض، مكتبة الكوثر - الطبعة الأولى.
١٦. البانى، محمدناصر، ١٤٠٥ق، *ارواء الغليل*، اشراف: زهير الشاويق، بيروت، المكتب الاسلامى، الطبعة الثانية.
١٧. برقى، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، ١٣٧١ق، *المحاسن*، دارالكتب الاسلامية، قم المقدسة، الطبعة الثانية.
١٨. بيهقى، احمد بن الحسين، بى تا، *السنن الكبرى*، بى جا، دارالفكر.
١٩. ترمذى، محمد بن عيسى، ١٤٠٣ق، *سنن الترمذى*، تحقيق و تصحيح: عبدالرحمن محمد عثمانى، م، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، الطبعة الثالثة.
٢٠. التميمى المغربى، نعمان بن محمد، بى تا، *دعائم الاسلام*، ج ١، بيروت، المكتب الاسلامى.
٢١. ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم، ١٤٢٢ق، *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*، بيروت، داراحياء التراث العربى.
٢٢. حرالعالمى، محمد بن الحسن بن على، ١٤٠٩ق، *تفصيل وسایل الشيعة - الى تحصيل مسائل الشريعة*، قم المقدسة، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحياء التراث، الطبعة الاولى.
٢٣. حسينى الحصينى الدمشقى الشافعى، تقى الدين أبى بكر بن محمد، بى تا، *كفاية الأخيار فى حل غاية الاختصار*، تحقيق على عبد الحميد بلطجى و محمد وهبى سليمان، دمشق، دارالخير.
٢٤. حسينى جرجانى، سيدامير ابوالفتوح، ١٤٠٤ق، *آيات الاحكام*، تهران، انتشارات نويد.
٢٥. حلى، العلامة الحسن بن يوسف بن المطهر الأسدى، ١٤٢١ق، *تلخيص المرام فى معرفة الأحكام*، المحقق / المصحح: هادى القبيسى، قم المقدسة، مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامى، الطبعة الأولى.
٢٦. حلى، العلامة الحسن بن يوسف بن المطهر الأسدى، ١٣٤٣ق، *متهى المطلب فى تحقيق المذهب*، المحقق / المصحح: الشيخ حسين پيشنماز أحرابى، مطبعة الحاج أحمد آغا و محمود آغا، الطبعة الاولى.
٢٧. حلى ابن ادريس، ١٤١٠ق، *السرائر*، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، التابعة لجامعة.



المدرسين، الطبعة الثانية.

٢٨. خوئی، سیدابوالقاسم موسوی، ١٤١٠ق، *المنهاج الصالحین*، قم المقدسه، نشر مدينه العلم.
٢٩. دارمی، عبدالله بن بهرام، ١٣٣٩ق، *سنن الدارمی*، طبع بعناية- محمد أحمد دهمان، دمشق، مطبعة الحديثه.
٣٠. راوندى، قطب الدين سعيد بن هبةالله، ١٤٠٥ق، *فقه القرآن فى شرح آيات الأحكام*، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٣١. زحيلي، وهبة بن مصطفى، ١٤١٨ق، *التفسير المنير فى العقيدة والشريعة- والمنهج*، بيروت، دارالفكر المعاصر.
٣٢. زركش، بدرالدين محمد بن بهادر بن عبدالله، ١٤٢٧ق، *الديباج فى توضيح المنهاج*، تحقيق: يحيى مرداد، قم، دارالحديث.
٣٣. سجستاني، ابن الشعث، ١٤١٠ق، *سنن أبى داود*، تحقيق و تعليق: سعيد محمد للعام، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الأولى.
٣٤. سرخسى، محمد بن احمد، ١٩٧١، *السير الكبير*، ج ٥، قاهره، مطابع شركة- الاعلانات شرقيه.
٣٥. سيدان زهره الحلبي، ١٤٠٤ق، *مكتبة السيد المرعشى*، قم المقدسه، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
٣٦. سيدرضى، ١٤١٥، *نهج البلاغه*، بيروت، دارالاسوه.
٣٧. سيوطى، جلال الدين، بى تا، *الدر المنثور فى تفسير المأثور*، بيروت، المكتبة الثقافه.
٣٨. شريينى، محمد بن أحمد، ١٩٥٨م، *معنى المحتاج*، بيروت، داراحياء التراث العربى.
٣٩. شروانى و العبادى، بى تا، *حواتى الشروانى*، بيروت، داراحياء التراث العربى.
٤٠. شريف لاهيجى، محمد بن على، ١٣٦٢ش، *تفسير شريف لاهيجى*، تهران، دفتر نشر داد.
٤١. شهيد الاول، محمد بن مكى العاملى، ١٤١٧ق، *الدروس الشرعية فى فقه الامامية* قم المقدسه، مؤسسه النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين، الطبعة الثانية.
٤٢. شهيد الثانى، زيدالدين على بن احمد العاملى، ١٤١٣ق، *المسالك الافهام الى تنقيح*، قم، شرايع الاسلام مؤسسه المعارف الاسلاميه، چاپ اول.
٤٣. شوكانى، محمد، ١٤٢١ق، *فتح القدير*، ج ١٢، بيروت، دار ابن حزم.
٤٤. صدر الشهيد السيد محمد، ١٤٢٠ق، *ساورة الفقه*، المحقق، المصحح، جعفرهادى

- الدجيلی، بیروت، دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى.
۴۵. طباطبائی، علامه محمدحسین، ۱۳۷۴ش، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۶. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (الف)، بی تا، *المعجم الكبير*، تحقیق و تخریج، حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت، داراحیاء، التراث العربی، الطبعة الثانية.
۴۷. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق، *المعجم الاوسط*، قسم التحقیق بدار الحرمین، بیروت، دارالحرمین للطباعة و النشر و التوزيع.
۴۸. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن محمد (ب)، بی تا، *المعجم الصغير*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۹. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن محمد، ۱۴۱۷ق، *مسند الشامین*، بیروت، تحقیق و تخریج: حمدی عبدالمجید السلفی، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
۵۰. طبری کباهرسی، ابوالحسن علی بن محمد، ۱۴۰۵ق، *احکام القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۱. طنطاوی، سیدمحمد، بی تا، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی تا.
۵۲. طوسی ابوجعفر محمدبن الحسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، طهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة.
۵۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، ۱۴۰۰ق، *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الثانية.
۵۴. العلامة الحلی، ۱۴۱۱ق، *ارشاد الاذهان*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.
۵۵. علامه حلی، العلامة الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، ۱۴۱۳ق، *قواعد الاحکام في معرفة الحلال و الحرام*، قم المقدسه، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، الطبعة الأولى.
۵۶. عینی الحنفی، ابومحمد بدرالدین، بی تا، *عمدة القاری في شرح البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۷. غمراوی، محمد الزهری، بی تا، *السراج الوهاج*، علی متن المنهاج (شرف الدین یحیی النروی)، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
۵۸. فاضل مقداد، جمال الدین مقدادبن عبدالله، ۱۴۱۹ق، *کنز العرفان في فقه القرآن*، تهران،

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۵۹. فیروزآبادی شیرازی، ابی اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف، ۱۴۲۴ق، *المذهب فی فقه الامام الشافعی*، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى.
۶۰. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، محقق / مصحح: فیا الدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.
۶۱. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.
۶۲. قاری، ملاعلی، ۱۰۱۴ق، *شرح مسند ابی حنیفة*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶۳. قرافی، شهاب الدین أحمد بن ادريس، ۱۹۹۴م، *الدخيرة*، تحقیق محمدحجی، بیروت، دارالمغرب.
۶۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۶۵. قزوینی، محمد بن یزید، بی تا، *سنن ابن ماجه* تحقیق و ترقیم و تعلیق، محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶۶. کاشانی، ملافتح الله، ۱۴۲۳ق، *زبدة التفاسیر*، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۶۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، طهران، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الرابعة.
۶۸. کوفی، ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، *المصنف*، تحقیق و تعلیق: سعید اللعام، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، جماد الآخرة، الطبعة الاولى.
۶۹. مارودی، العلامة ابوالحسن علی بن محمد، بی تا، *الحاوی الکبیر*، بیروت، دارالنشر / دارالفکر.
۷۰. المارودی، السلامه ابوالحسن علی بن محمد، بی تا، *الاحکام السلطانیة*، بیروت، دارالنشر.
۷۱. مبارکفوری، صفی الرحمن، ۱۴۱۰ق، *تحفة الأخوذی*، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
۷۲. مجلسی ثانی، المولی محمد باقر بن المولی محمد تقی، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار* علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۷۳. محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۱۷، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مشهد، مؤسسه آل البيت.
۷۴. محقق حلی، جعفر بن محمد، ۱۴۱۲ق، *شرائع الاسلام*، ج، تعلیق و تحقیق عبدالحسن محمد علی بقال، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول.

٧٥. محقق كركى، المحقق الثانى على بن الحسين العاملى، ١٤١٤ق، *جامع المقاصد فى شرح القواعد*، قم المقدسه، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، الطبعة الثانية.
٧٦. محقق كركى، على بن حسين، ١٤٠٨، *جامع المقاصد فى شرح القواعد*، ج ٩، قم مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٧٧. مقدس اردبيلى، احمد بن محمد، بى تا، *زبدة البيان فى أحكام القرآن*، تهران، كتابفروشى مرتضوى.
٧٨. مكارم شيرازى، همكاران، ١٣٥٤ش، *تفسير نمونه*، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
٧٩. موصلى الحنفى، الامام عبدالله بن محمود بن مودود، ١٤١٩ق، *الاختيار لتعليل المختار*، تعليق و تخريج: عبدالطيف محمد عبدالرحمن، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الاولى.
٨٠. موصلى، ابويعلى، بى تا، *مسند ابى يعلى*، تحقيق، حسين سليم أسد، بيروت، دارالمأمون للتراث، الطبعة الثانية.
٨١. نجفى، محمدحسن بن باقر بن عبدالرحيم، بى تا، *جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام*، المحقق / المصحح: الشيخ عباس قوجانى، بيروت، دار احياء التراث العربى، الطبعة الأولى.
٨٢. نسائى، ابو عبدالرحمن، ١٤١١ق، *السنن الكبرى*، تحقيق: دكتور عبدالغفار سليمان البندارى و سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الاولى.
٨٣. نودى، محيى الدين أبوزكريا يحيى بن شرف الحورانى، ١٤٢٠، *روضه الطالبين*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٨٤. نوودى، محيى بنشرف، ١٤١٤ق، *الاذكار النروية*، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٨٥. نووى، محيى الدين أبو زكريا يحيى بنشرف الحورانى، بى تا، *المجموع*، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٨٦. نيشابورى، الحاكم الكبير ابواحمد، ١٩٨٠م، *معرفة علوم الحديث*، تحقيق: لجنة اجياء التراث العربى فى دار الآفاق الجديدة و تصحيح السيد معظم حسين، بيروت، منشورات دارالآفاق الحديث، الطبعة الرابعة.
٨٧. نيشابورى، مسلم بن الحجاج، بى تا، *صحيح مسلم*، بيروت، دارالفكر.
٨٨. هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر بن سليمان، ١٩٨٨م، *مجمع الزوائد*، بيروت، دارالكتب العلمية.